

ضرب المثل های بختیاری

ضرب المثل ها عبارت ها و جمله های موزونی هستند که حاوی پندها و اندرزهای گوناگونی می باشند. موجب آگاهی بخشی ، پندآموزی و عبرت آموزی می شوند. این ضرب المثل ها که گاه پیشینه آنها به چند قرن و شاید هزاران سال قبل باز گردد و سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل شده اند ، دریچه ای برای شناخت ابعاد مختلف و جنبه های گوناگون فرهنگ و جامعه هستند. آنها گویای واقعیت های آشکار و پنهان جامعه و بازتاب بسیاری از رسوم ، عادت ها و شیوه های زندگی یک گروه و یک قوم می باشند. معلوم می دارند که در قلمرو یک فرهنگ چه کارهایی ناپسند و ناخوشایند و انجام کدام اعمال و رویه ها خوشایند و مطلوب است

در ضرب المثل هاست که زبان و فرهنگ به هم نزدیک می شوند و ابعاد مختلف زبان گفتاری مردم را آشکار می سازند. همچنین می توانند راهگشا ، در یافتن بسیاری از پرسشهای ما در باره زبان و فرهنگ باشند

در زیر تعدادی از ضرب المثل های بختیاری با برگردان فارسی آنها ارائه می شود

برد سیلا ، بن وار ، نی واسه *

.سنگ سوراخدار همیشه در باراندز ایل نمی ماند

.کنایه از: تمام پسرها و دخترها بالاخره روزی ازدواج می کنند

.عروس بونه وه دلس بید ، چرنید ، گد خروس پام تلنید *

.عروس که بهانه به دل داشت ، جیغ کشید و گفت : خروس پام را له کرد

کنایه از: بهانه جویی و ناسازگاری عروس

تیلی که تخم ناد ، هنداداسه *

.جوجه ای که تخمگذار شد ، همسن مادرش است

.کنایه از: فرزندی که ازدواج کرد و بچه به دنیا آورد ، همسن پدر و مادرش شده است

• بختم ، بخته دامه ، کوشا ، دامم وه پامه

.بخت من مثل بخت مادرمه ، کفش های مادرم را هم به پا دارم

کنایه از: تاثیر گذاری والدین در سرنوشت بچه ها

• هر کی ناره دالو ، نی ره هونه هالو

.هر کس مادر بزرگ ندارد به خانه دایی اش نمی رود

• مهمون هر کی ، هونه خدا هر چی

.مهمان هر کسی که باشد ، میزبان با هر چه دارد از او پذیرایی می کند

• علف سر ریشه خوس ، سوز ایبو

.علف سر ریشه خودش جوانه می زند و رشد می کند

کنایه از: تاثیر خانواده در سرنوشت و تربیت آدمی

• ار لیشم ، گوشت میشم

اگر زشتم ، لیکن ذاتی پاک و بارزش دارم

کنایه از: تاکید بر نجابت و اصالت

• وه بنگشت گدن ، سوکی یا سنگین ، گد ، سوک ، سنگینی ، دس خومه

از گنجشک پرسیدند سبکی یا سنگین ، پاسخ داد ، سبک یا سنگینی دست خودمه

کنایه از: اختیار و اراده آدمی

• گرگ که پیر ایبو سگ بس خنده

گرگ که پیر می شود ، سگ او را مسخره می کند

کنایه از: خوار شدن آدمی

• هر چی کنی ، سی ناکس ، نه ایگو خو ، نه ایگو بس

برای ناکس هر هر اندازه کار کنی ، نه می گوید ، خوب است ، نه می گوید ، کافی است

کنایه از: رویه انسان های بی ارزش و قدرشناس

• کر خو مال سی چنه سه ، کر لیش مال سی چنه سه

(نه پسر خوب و با لیاقت مال می خواهد (بدست می آورد) ، نه پسر پست و نالایق. (بر باد می دهد)

• گِردَن گِردَن ، پند دادن ، گد ولم کنین ، گله رهد •

گِردَن را گرفتند ، نصیحت کردند که دیگر به گله حمله نکند ، گفت: رهایم سازید ، گله رفت

کنایه از: ترک عادت نتوان کرد

• نه کور حیا داره ، نه کچل ، مزگ سر •

• نه آدم کو حیا دارد نه کچل مغز سر دارد

کنایه از: اینکه آدم های بی حیا و بی چشم و رو هیچ وقت حیا نمی کنند و از رو نمی روند

• قاطرن نل کردن ، پشغه کوره هم پاس بلند کرد ، گد مومنم ، نل کنین •

!قاطر را که نعل کردند ، پشه کوره نیز پایش را بلند کرد و گفت: مرا نیز نعل کنید

• بز که اجلش ایرسه ، نونا ، شونه خوره •

• بز که اجلش فرا می رسد ، نانهای چوپان را می خورد

• لیوونه زه گسنی مرد ، گدن ، گرده گرس گلیس •

• آسیابان از گرسنگی مرد ، گفتند نان در گلویش گیر کرد

• افتو زی همچو که دز دلس خاس •

آفتاب جایی طلوع کرد که دزد دلش می خواست

کنایه از: خوش شانسی آدم نا اهل

• سگ ، دم هونه ساوس ، زله

سگ در خانه صاحبش زرنگ است

• همبونه دادن خرس وراه ، خردس ، گد ، جا مزم

انبان را به خرس دادند که درست کند ، آن را خورد و گفت: جای دستمدم

• سرونه سر زینه بیوه ، دهل ، درس

از بدشانسی زن بیوه ، دهل پاره شد

کنایه از: بدبختی و بدشانسی

• سی گا مکال ، چه یه من ، چه صد من

برای گاوی که خیش نمی رود و تن به کار نمی دهد ، چه یک من و چه صدمن بذر ، فرقی نمی کند

کنایه از: آدمهایی که تن به کار نمی دهند ، فرقی نمی کند که کار چه باشد

• کچل که مینا دار ایبو ، زه داغ مینا ، هار ایبو

زن کچل که صاحب مینا و دستار می شود ، هار می شود

کنایه از: کم ظرفیتی افراد

اوره شومه باداده ، حسنی که خدا داده *

ابریشم تاب داده ، حسنی که خدا داده

کنایه از: اینکه هر کسی را خداوند به شکلی خاص آفریده است

بهیگ به هونه بوس ، تی ناشت ، گهدن ، غلا ، مین ره ، تیاس کند *

عروس اصلاً از اول چشم نداشت ، گفتند: کلاغ در راه چشمانش را کند

کنایه از: عیب پوشی دختر برای شوهر دادن

زبانزدهای بختیاری

باد آورد خدا دا به حوشه چین: مصداق تغاری بشکند ماستی بریزد،جهان گردد به کام کاسه ليسان

گیوه کش پا پتی: کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد

بالا جام نی دوون هم نی نشینم : کنابه از افرادی که به چیز کم قانع نیستند و زیاد هم گیرشان نمی آید

کیکنید و چرنید خروس پامه تلنید: به بهانه ای دیگر از انجام کاری سرباز زدن ،بهانه جویی

ار. بووسه نیدی ادا شاهی اکرد : اگر پدرش را نمی دید ادعای پادشاهی می کرد

.کا نداشت یه چی بی داشت: کنایه از نو کیسه

دلته بنه به دلدون آردته بنه به همبون:آسوده و خاطر جمع باش

هر که گده داره دده نداره: کنایه از افراد تنها خور و خود خواه

حونه مبا بی کههدا احمد اره مومد ایا:خانه بی برزگتر نباشد هرچ و مرج می شود

:میراث خرس اگرده به گفتار

آدمیزا بانده بی باله : کنایه از سرعت انجام کارها و سرعت در رسیدن به مکانی دیگر

.آربیز به قیلون گو دو سیلا داری : مصداق آنکه عیب بزرگ خود را نمی بیند و عیب کوچک دیگران را برمی شمارد

آسیو درادره لوینه کپنه : شمالی ها می گویند هنه بزو (یکی هیزم می شکند و دیگری می گوید هن).: یکی کار انجام می دهد دیگری نفس
نفس می کند

.بهپیگ وختی گشنه س ابو یاد آش عروسیس اوفته : در شرایط سخت و نداری به یاد ایام خوش افتادن

.افتو ز اوچو که دز دلس اخواست : اوضاع بر وفق مراد آدم بد و تبهکار گشتن

.سگ که چاق ایبو گوشتس نیخورن: آدم بی ارزش همیشه همان است و ظاهرش هم عوض شود همان است

.همبون دادن به خرس گن ورآرس خردس به جا مزدس:مصداق همان آفتابه را خرج لحیم کردن

منیر به رنگ زردم گادین (گژدین) زیر بردم: فلفل نبین چه ریزه بشکن بین چه تیزه

نون جو نه ری داره نه آستر: آدمی که خوب و بدی برایش یکسان است

(گا مرد و شیر وهره بهرست: فلانی مرد و بده بستان ه)معاملات

قطع شد

تازی وخت شکال...س ایا: کسی که در موقعیت حساس صحنه را ترک می کند

نه ز پل اره نه ز گذار: کسی که به هیچ صراطی مستقیم نمی شود. یک دنده

حور سهر مینت خمه کشت و بیرینت مردمه: توش خودم را کشت و بیرونش دیگران را، ظاهر فریب

لوینه ز گسنه یی مرد گن گرده گرهمه: کسی از گرسنگی مرد و دیگران می گفتند نان در گلویش گیر کرده. باور نداشتن اطرافیان از مشکلات افراد

کاسه ای داریم آرک برک تو پرس ک مو پر ترک: کنایه از داد و دهش دو طرفه

حیا دار گ حیام ابو بی حیا گ زم اترسه: آدم آبرومند از حیاداری خودش کنار می کشد و آدم بی حیا فکر می کند از او ترسیده اند

جوم دهرسته الصم نهپرسته: اگر مفلس شده ام ولی اصل نسیم از دست نرفته

گرگ که پیر ابو تعمره سگ ابو: سن که بالا می رود جوانان قدرت می گیرند و پیران را تمسخر می کنند

بچه یا وا ریش بوه ورس بجهمه یا ترنه دا : اشاره به اهمیت تربیت والدین و کنایه از افراد بی خانواده

برزیر که وامهنه داسنه کل و تیز اکنه :برزگر که از کار وامی ماند ، سعی کردن در یافتن مقصر دارد

به خرس گن حرف بزنی گد پمپلاپف : کسی که فن بیان ندارد و نستجیده سخن می گوید

تا داریم سر ایدراریم همی که نداریم پیت ایوراریم: تا داریم زندگی و سرفرازی می کنیم هنگام نداری به خود می پیچیم مار تا صاف نبو به سیلا
نیره:صداقت و راستی مایه ی پیروزی است

دندون اسب پیشکشینه نی شمارن: از هدیه نباید ایراد گرفت

به شیطون گن خدا بوته بیامرزه گ چی که نیبو: کاری که با عقل جور نیست

تا نبوهه امر حق نیوفته بلگ درخت: همه کارها با خواست خداست

به بنگشت گن سوکی یا سنگین گ سوک سنگینیم دست خمه: احترام هرکس به خودش بستگی دارد

به توشمال گن بزنی گ تنگه پام درد اکنه: کنایه از بهانه ی بیجا آوردن

به میش اگو بجه به گرگ اگو بگرس: مصداق شریک دزد و رفیق قافله

برد سر جا خس سنگینه: هرکس در جایگاه خود وقار دارد

شون گله ن ول کنه حونه خدا دست زس نی ورداره:چوپان گله را رها کند صاحب گله رها نمیکند

ماهینه که نیخون بگرن دس ایارن سی دینس:وقتی راغب به انجام کاری نباشند. کاری می کنند که حاصل ندارد

هرچی کنی سی ناکس نه اگو خووه نه اگو بس: برای آدم قدر شناس کار کردن بی فایده است

دس خوم کس خوم: به خودم تکیه می کنم

هرکی گپی نداره نشینه سا یه یرد گپ: هرکس بزرگی ندارد به سنگ بزرگی تکیه می کند

(بز به پا خوس کشن به دار میش به پا خوس : هر کسی باید در مقابل اعمال خود پاسخ گو باشد) که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

کور بهتر به حونه خوس ره ابره: نابینا هم خانه ی خود را بهتر بلد است

پوس خووه که پوس خووه: اصل و جوهر خوب است که ظاهر خوب است

گرگ زه به کله هول به یکی دارون: گله را گرگ زد وای به حال آنها که یک گوسفند دارند

بردیم به آسماری دس ز دینم نی ورداری: بیچاره ام کردی هنوز هم رهایم نمی کنی؟

جلتم ور ملت: خواه ناخواه جورم را باید بکشی

بید از تهله سایه س شرینه: درخت بید اگر ثمری ندارد ولی سایه ی خوبی دارد. کنایه از اینکه اگر خصلت بد را می بینی صفات خوب را هم ببین

به کور گدن ز خدا چه اخوی گ دو تیه روشنا: آرزوی کور به دست آوردن بینایی است

درد به دل و جنگ آسون: بهانه که باشد جنگیدن آسان است

ایبیزیم و ایبیزیم: خواهیم دید. ببینیم و تعریف کنیم

ار ندونی مهمونم یو چو و یو همبونم: از ظواهر پیداست که نیت ام چیست

اولاد کا مهدی چه ز پا نالن چه ز پهلی: عده ای که فقط از دردهایشان می گویند

سی هو بت اگوم کاکا که بنگشت بگری سیم: به خاطر توقعاتم به تو احترام می گذارم

دده سی دده پل بلند نیخو: خواهر برای خواهر گیسوان بلند نمی خواهد

ار هزار لیشم گوشت میشم: هرچند بد باشم به درد می خورم. و جوهرم خوب است

بجور جاته بنه پاته: سنجیده عمل کن

توشمال که بیکار ایینه تازه بووس انه به کار : سوء استفاده از فرصت های موجود

بز که اجلس اگرده نونان شون اخوره : مصداق میخ به تابوت خود زدن. کاری که عاقبت بدی دارد انجام دادن

بره نر به کله نی مهنه : فرزند پسر از خانواده جدا می شود

دیگ سه کچک دیگول هم سه کچک : وقتی سهم کوچک و بزرگ به یک میزان باشد

آرتام بختم آریزم آوختم : کارها را به اتمام رساندم

اسم سگ ایاری چو بگر به دست : وقتی از کسی سخن می گویی و فوراً سر می رسد

شل به رفتارس کور به دیدارس : افراد کمبود دار بیشتر می نازند

بهونه که ور بارون اگره : مصداق گاو نر می خواهد و مرد کهن

تا مال به ای واره اره به ئی داره: شرایط موجود این پیامدها را دارد

ار کوگ نزنه فهقهه بی جا کی دونه کوگ کجه کرده جا؟ : اگر کسی خود افشاگری نکند و رازش را برملا نکند، دیگران که علم غیب ندارند

دهدر به دا ابره گوور به گا ابره:دختر به مادر و گوساله به گاوش می برد

دهدری که داس تعریفس کنه سی حالوس خووه:دختری که مادرش خوبیش را بگوید به درد دائیش می خورد

بهیگ ز حونه بووس کور بی گدن مین ره کلا تیاس درآورده:عروس از خانه ی پدرش کور بود گفتند کلاغ در راه چشمانش را درآورده

کچیر کار کچیر بار سر کچیر به تل دیوار:کوچکترها باید به احترام بزرگترها بیشتر کار کنند.فرمانبری کنند

سهر بلند نرمیده پشما به حور نگرنیده: کنایه از زن زیباروی خوش قدو بالا ولی بی هنر

خورزا بیج سر ره حالوه:خواهر زاده گاه از دایی پیشی می گیرد و سد راه او می شود

رو جایی که بخونت نه جایی که چو وردارن بروننت: به جایی برو که از تو استقبال کنند نه اینکه بیروننت (بی احترام) کنند

تا نیاهی به کارم بت نیگم خورزمارم:از دوستی تو فقط غرض سودجویی من است

بهیگه به حونه به ازما دیندا بفرشس به که:عروس ات را ابتدا در خانه امتحان کن تا به توانایی او پی ببری سپس به او کاربیرون را بسپار

ار به طمع من منونی شپته بک بیوه نمونی: اگر به امید من هستی دنبال کارت برو تا عقب نمانی

حونه زن بیوه شو نشینی نداره : خانه ی بیوه زن چون مرد ندارد شایسته نیست کسی به شب نشینی اش برود

بنگشته بردن باغ بهشت گ ولات ولات: بهترین جا هم که باشی هوای وطن می کنی